

سفرنامه ناصر خسرو در مقام منبعی برای واژگان هنر طراحی شهری

سهیلا لویمی* - عضو هیأت علمی زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

ابومعین حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی حکیم، شاعر، نویسنده، فیلسوف و جهانگرد است که شرح سفر حج با برادر و غلامی هندو را به رشته تحریر درآورده است. وی در هفت سال بیش از یکصد شهر و سرزمین‌هایی مانند آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیره‌العرب، قیروان، تونس و سودان را زیرپا گذاشت و یادداشت‌هایی درباره آن‌ها نوشته که امروزه یکی از سفرنامه‌های مهم در ایران و جهان است. در این سفرنامه، ناصر خسرو کوشیده است تا با ورود به هر شهر، مشخصات و عناصر شهری را که از نظر وی حائز اهمیت بود را به قلم خود توصیف کند. با اینکه ناصر خسرو از علم شهرسازی بی‌خبر بود ولی توانست عناصری از شهر را مورد توجه خویش قرار دهد که برای خواننده امروز، تصویری از شهرهای دوره سلجوقیان را به ارمغان می‌آورد و همین‌طور خواننده را با هنر طراحی شهری آن زمان بیشتر آشنا می‌کند. در واقع هدف از مقاله حاضر تمرکز بر عناصر طراحی شهری است که در سفرنامه ناصر خسرو توصیف شده است. این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده و روش گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است. نتایج تحقیق حاکی از هفت عنصر مهم طراحی شهری است که ناصر خسرو آنها را در طی سفر هفت ساله خود مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: سفرنامه ناصر خسرو، طراحی شهری، واژگان هنر.

Naser Khosrow itinerary as a resource for urban design art words

Abstract

Abomeein Din al-Hakim Naser Ben Khosrow Ghobadiani Marvazi, poet, writer, philosopher and traveler, which describe the pilgrimage to the Hindu brother and servant wrote. In seven years, more than a hundred cities and territories such as Azerbaijan, Armenia, Asia Minor, Aleppo, Tripoli, Damascus, Syria, Palestine, Tunisia and Sudan had violated and notes written about them which is one of the most important travel Iran and the world. In this travelogue, Naser Khosrow tries to enter any cities, and urban elements that were important to him in his pen describe. Although Nasser Khosrow was unaware of Urban Science; But his attention was about the elements of the city. The reader today, brings the idea in the Seljuk period. And the reader is familiar with the art of urban design at the time. The purpose of this paper is to focus on urban design elements that Naser Khosrow described in the itinerary. This article was written descriptive and analytical methods and techniques based data collection tool library. The results indicate seven major element of urban design that Naser Khosrow them during his seven-year journey is examined.

Keywords: Travelogues Nasser Khosrow, urban design, art vocabulary.

مقدمه

سفرنامه نویسی در پهنه زبان فارسی سابقه‌های طولانی دارد و به شکل نظم یا نثر به رشته تحریر درآمده است. از قدیمی‌ترین سفرنامه‌ها میتوان به سفرنامه ناصر خسرو اشاره کرد که حاصل دیده‌ها و شنیده‌های وی از چندین سال سفر به نقاط مختلف است. سیاحان و سفرنامه‌نویسان مدعی تدوین تاریخ ایران نبوده‌اند، بلکه هدف بیشتر آنها آشنایی مردم مغرب زمین با فرهنگ و تمدن مردم ایران بوده است. سفرنامه‌ها به این جهت که از نظر محتوایی به موضوعاتی صرفاً سیاسی نمی‌پردازند، اهمیت و ارزش زیادی دارند. سفرنامه‌نویسان، اغلب به جهت موقعیت اجتماعی و سیاسی و مشاغلی که داشتند، به موضوعات مورد توجه خود اهمیت بیشتری میداده‌اند، بنابراین اغلب آگاهی‌های زیادی درباره اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری ضبط و ثبت می‌کرده‌اند (عاملی، اخوان، ۱۳۹۲، ص ۷۶). ناصر خسرو از شاعران و نویسندگان قرن پنجم زبان فارسی است؛ وی در قبادیان بلخ به دنیا آمد و در دربار ابتدا به کار دبیری مشغول بود محمود و مسعود غزنوی و مدتی نیز در دربار چغری بیگ سلجوقی، خدمت دیوانی کرد. در حدود سن چهل سالگی، تحولی در اندیشه وی روی داد که به تعبیر خود، از خواب چهل ساله بیدار شد و به سفر هفت ساله پرداخت و شهرهای مختلف اسلامی را سیاحت کرد. او در مصر به اسماعیلیه پیوست و به بلخ بازگشت و به تبلیغ آیین اسماعیلی پرداخت، مخالفانش افزونی گرفتند، او به دره یمگان پناه برد و در همان جا، وفات یافت (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، به نقل از شعار، ۱۳۹۲). ناصر خسرو پس از بازگشت از سفر طولانی‌اش یادداشت‌های خود را گردآوری کرده و سفرنامه مشهورش را تنظیم کرد. در ادامه مسیری که طی کرده، شهرهایی که دیده و حوادثی را که از سرگذرانده به تفصیل شرح می‌دهد و روحیه علمی، نگاه دقیق و علاقه به تفسیر و تأویل در کنار گرایش‌های دینی و اجتماعی، سفرنامه‌ای

را پدید آورده که علاوه بر توصیف جزئیات بناها، وضعیت جغرافیایی و اقتصادی شهرها و روستاها، تصویری از شرایط سیاسی-تاریخی آن روزگار نیز فرآینش خواننده می‌نهد (محمودی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰). همچنین ناصر خسرو با شرح بازگشت از سفر به بلخ در سال ۴۴۴ قمری به گزارش خود پایان می‌دهد. ناصر کوشیده است تا در این کتاب از جاده صواب دور نشود و بدور از علایق خود و بی توجه به آنها حقایق را بازنمایاند. یکی از امتیازات ارزشمند این سفرنامه نثر ساده و روان آن است که با استفاده از آن به توصیف و شرح دقیق دیده‌ها و شنیده‌های خود می‌پردازد. ناصر خسرو اطلاعات فراوانی را در اختیار خواننده می‌گذارد و او را با جغرافیای شهرها، آداب و رسوم دینی و اجتماعی، سازمان‌های اداری و عادات و آداب و رسوم مردم آشنا می‌کند. نگاه ما در این مقاله، تمرکز بر عناصر طراحی شهری است که در سفرنامه ناصر خسرو توصیف شده است. این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده و روش گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق

تا کنون در باره عناصر طراحی شهری از باب سفرنامه ناصر خسرو مقاله و یا پژوهشی صورت نگرفته است ولی مقاله‌هایی تا حدودی مرتبط با این موضوع به رشته تحریر در آمده است که از آن بین می‌توان به مقاله «بررسی معماری استحکامات در سفرنامه ناصر خسرو» نوشته سعیده حسینی زاده مهرجردی و آسیه ذبیح نیا عمران اشاره کرد. در این مقاله نویسنده سعی دارد نوع استحکامات بخش شهرها و دیه‌ها، نوع مصالح به کار رفته در استحکامات، جزئیات معماری استحکامات، برخی تزئینات به کار رفته در معماری آنها، تأثیر سیستم تکنیکی و یا تاکتیکی حمله و دفاع در معماری و شهرسازی را مورد بررسی قرار دهد. مقاله «بازار در سفرنامه ناصر خسرو- احسن التقاسیم مقدسی» از مینو امیرقاسمی که در سال ۱۳۸۲ در نشریه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز منتشر شد، همچنین مقاله «اقتصاد در سفرنامه ناصر خسرو»

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۲۴ ■

از آسیه ذبحنیا که در سال ۱۳۸۹ در همایش ملی دانشگاه پیام نور مشهد ارائه و چاپ شد. به نظر می‌رسد در روزگار گذشته، مسافرت با همه سختی‌هایی که به همراه داشت، مهم‌ترین راه کسب معرفت و آموختن و تجربه اندوختن بوده است.

گذری بر مفاهیم و دیده‌وری شهرها از نگاه ناصر خسرو

در آن روزگار وسایل ارتباطی به فراوانی امروز نبود و دنیا چنین به هم پیوسته نمی‌نمود. از این رو، جهانگردی، مکتب دانش آموزی و تجربه اندوزی به شمار می‌آمد و همان‌طور که خود سفر، از مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت و آموختن و تجربه اندوزی بود، نوشتن مشاهدات و تجربه‌های خود از این سفرها نیز راه انتقال این دانش و تجربه، به نسل‌های بعد بود. برخی از جهانگردان در ضمن سفر یا پس از پایان آن، مشاهدات خود در طول سفر را یادداشت می‌کردند. به زبان فارسی نیز سفرنامه‌های بسیاری نوشته شده که قدیمی‌ترین آنها، سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی است. این سفرنامه پربار، از نامور مردی هوشمند و نکته‌بین است و حاصل سفر طولانی وی به شهرها و کشورهای بسیار؛ سفری که مسافرش را به کلی دگرگون ساخت. ذهن کنجکاو و حقیقت‌جوی این حکیم فرزانه، او را در حالی که مرز چهل سالگی را پشت سر گذاشته بود، در پی یافتن حقیقت به سفر واداشت. این سفر در پی رؤیایی بیدارگرانه آغاز شد و هفت سال به طول انجامید. سفرنامه از روز پنج‌شنبه، ششم جمادی‌الآخر سال ۴۳۷ هجری آغاز می‌شود. نویسنده در ابتدا از زندگی گذشته خود توبه می‌کند. سپس به مرو می‌رود و از شغل خود استعفا می‌کند و راهی خانه خدا می‌شود. طی این سفر ناصر خسرو از مرو به سرخس رفته و سپس از نیشاپور، بسطام، سمنان، ری، قزوین، خرزویل، خندان، شمیران، سراب، سعیدآباد، تبریز، مرند، خوی (درایران امروز)، برکرای، وان، وسطان، اخلاط، بتلیس، ارزن، میافارقین، آمد (دیار بکر)، حران، قرول، سروج (آسیای صغیر)،

منبج، حلب، جندقنسرین، سرمین، معره النعمان، کویمات، حما (در سوریه)، عرقه، طرابلس، قلمون، طرابرزن، جبیل، بیروت، صیدا، صور (در سوریه)، عکا، طبریه، حیفا، قیساریه، رمله، بیت المقدس (در فلسطین) دیدن می‌کند که تا این‌جا یک سال از آغاز سفر او می‌گذرد. ناصر خسرو پس از رسیدن به بیت المقدس، ۳۴ روز در آن‌جا می‌ماند و توصیف جالبی از بیمارستان این شهر، مسجد صخره، و مسجد اقصی (سومین مکان مقدس مسلمانان پس از مکه و مدینه) می‌کند. سپس به بیت اللحم، حبرون (در فلسطین)، عرعر، وادی القرای، مدینه، و مکه (در عربستان سعودی) رفته و حج می‌گذارد. سپس به بیت المقدس رفته و از آن‌جا به قاهره می‌رود. در مدت سه‌ساله که ناصر خسرو در قاهره بوده است برای بار دوم و سوم با کشتی به حج می‌رود. در سفر چهارم به مکه، ناصر خسرو پنج‌ماه و ۱۹ روز در آنجا می‌ماند سپس تصمیم می‌گیرد به بلخ برگردد، اما این بار از مسیر پررفت و آمدی که آمده بود باز نمی‌گردد. زیرا او اکنون یک مبلغ جدی مذهب اسماعیلی شده بود و خطر آن می‌رفت که به جرم قرمطی بودن جان خود را از دست بدهد. او مسیر دیگری را انتخاب می‌کند که در قلمرو سلجوقیان نبود. این مسیر از طریق طائف، فلج، یمامه، لحساء (الاحساء)، بصره، آبادان، مهربان، ارجان (نزدیک بهبهان)، لوردغان، خان لنجان، اصفهان، نائین، طبس، تون، قائن، سرخس، مروالرو، سمنگان، به بلخ منتهی می‌شود. سفر او شش سال و هفت ماه و بیست و دو روز طول می‌کشد و با حساب مسیرهای فرعی شامل سه هزار فرسنگ می‌شود. این سفر طولانی و پرماجرا، دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات فراوانی را با خود به همراه دارد. از آداب و رسوم اجتماعی و مناسک دینی مردم دیاری تا معماری و جغرافیا و تاریخ شهرهای آن روزگاران.

خوانشی بر ساختار عناصر طراحی شهری

هرچند تاریخ تألیف سفرنامه کاملاً روشن نیست، اما تاریخ سیاحت در اماکن و شهرها و دیدنی‌های نامبرده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۲۵ ■



شکل ۱. تصویری از قلعه شمیران متعلق به دوره سلجوقی؛ مأخذ: www.iranboom.ir

در فلسطین اشغالی امروز (مانند عسقلان و رمله) و برخی از آن متعلق به مصر امروز (مثل اسکندریه، قاهره مصر) است که در زمان ناصر خسرو همانگونه که خود به آنها اشاره میکنند، و بدین تاریخ به دست سلطان مصر بود، از توابع مصر به شمار می آمدند. ناصر خسرو به نیکی توانسته تصویری از سرزمین هایی که به آنها مسافرت کرده است، ارائه دهد. بدین صورت که نگاه غالب او به ویژگی های عمرانی و مختصات فیزیکی آن سرزمین ها بوده است و به ندرت اشارتی پیرامون مسائل تاریخی داشته است. توصیفات ناصر خسرو زنده و پویاست و گاه به توضیحاتی کوتاه به خصوص در وصف شهرها بسنده می کند اما گاهی آن چنان با دقت به توصیف جزئیات امور می پردازد که می توان آن را در ذهن خود تجسم کرد. ناصر خسرو غالباً به عنصر زمان توجه دارد و تقریباً آن را به طور دقیق بیان می کند و از عهده وصف مکان نیز به خوبی بر آمده است و موقعیت جغرافیایی آن را بسیار دقیق مشخص نموده است به گونه ای که می توان به نیکی آن را تصور کرد (کریمی آذر و همکاران به نقل از غلامی، ۱۳۹۳). از طرفی، مطالعات باستان شناختی نشان می دهد در شهرهای قرون اولیه تا میانی اسلام، برج، بارو، حصار و ارگ از عناصر اصلی بافت شهر محسوب می شدند (تقوی، ۱۳۸۹). از این نظر در ادامه ضمن

کاملاً روشن است. این مجموعه حاوی اطلاعاتی در مورد معماری و شهرسازی برخی از این شهرها در عصر وی است. همچنین در مورد دیوار و برج و بارو شهرها، بازارها، مساجد آدینه، اماکن زیارتی و سایر در اختیار خواننده قرار میدهد (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، ۱۳۹۲). او همچنین برخلاف برخی دیگر از نویسندگان که روش و شیوه مناسبی برای ارائه یک موضوع به کار نمی گیرند، از روشی استفاده کرد که به ویژه در بررسی مسائل جغرافیایی کاربرد دارد، یعنی به شهرها و مکانهایی که داخل میشود، به دقت مشاهده می کرد، می پرسید، اندازه میگرفت، می نوشت و شرح می داد و بدین سان است که وصف شهرهایی مانند دیاربکر، بیت المقدس، مکه و قاهره در هزار سال پیش از این به دست ما رسیده است. لازم به ذکر است که با توجه به توانی که وی در هنر نقاشی داشته و دقتی که در توصیف عناصر شهری بلاد جهان و حتی معماری مساجد و برخی مکانها به کار برده چنین توجهی را به معماری و وضعیت بازارها معطوف نکرده است (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، به نقل از امیر قاسمی، ۱۳۹۲).

در بین شهرهای یاد شده برخی از آنها متعلق به ایتالیای امروز (مثل جزیره سقلیه یا سیسیل) و برخی متعلق به اسپانیای امروز (مثل اندلس) برخی



شکل ۲. تصویری از برج و باروی شهر دوره ناصر خسرو؛

مأخذ: www.hamrahetarikh.ir

۲- بارو

دیوار گرداگرد یک شهر یا دژ است (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، به نقل از انوری، ۱۳۹۲). در اینجا دو تکه از سفرنامه ناصر خسرو را برگزیده‌ام که بارو را در سفرنامه خود بیان میدارد. «چون از عرقه دو فرسنگ بگذشتیم به لب دریا رسیدیم و بر ساحل دریا روی از سوی جنوب پنج فرسنگ برفتیم به شهر طرابلس رسیدیم و از حلب تا طرابلس چهل فرسنگ بود به این راه که ما نرفتیم. روز شنبه پنجم شعبان آنجا رسیدیم. حوالی شهر همه کشاورزی و بساتین و اشجار بود و نیشکر بسیار بود و درختان نارنج و ترنج و موز و لیمو و خرما و شیره نیشکر در آن وقت می‌گرفتند. شهر طرابلس چنان ساخته‌اند که سه‌جانب او با آب دریا است که چون آب دریا موج زند مبلغی بر باروی شهر بر رود. چنان که یک جانب که باد خشک دارد کنده‌ای عظیم کرده‌اند و در آهنین محکم بر آن نهاده‌اند. و مساحت شهر هزار ارش است در هزار ارش، تیمه (کاروانسرا) چهار و پنج طبقه و شش نیز هم هست و کوچه‌ها و بازارها، نیکو و پاکیزه که گویی هر یکی قصری است آراسته و هر طعام و میوه و ماکول که در عجم دیده بودم همه آنجا موجود بود بل به صد درجه بیشتر. هشتم

تعریف عناصر شهری، به بررسی مهمترین عناصری که کاربرد بیشتری در متن سفرنامه ناصر خسرو دارد پرداخته خواهد شد.

۱- بنا و ساختمان

بناهای عصر غزنوی در همان دوران نیز دستخوش تحولات و ویرانی‌های بسیار می‌شده‌اند و به‌این‌ترتیب، نباید انقراض معماری این دوره را تماماً ناشی از عواملی مانند تحولات عصر سلجوقی دانست (گلچین و هاشمی، ۱۳۹۵). واضح است که در شهرهای شرقی نوع معماری که از گونه‌های خشتی است، بیشتر در معرض آسیب بوده و در اثر تغییرات جوی به سرعت تخریب می‌شوند. حیرت و تحسین ناصر خسرو، در طول سفر به مناطق غربی خاورمیانه، در مواجهه با بناهایی برآمده از سنگ مرمر و آهن، در بسیاری از سطرهای سفرنامه مشهود است استحکام و عظمت این بناها در کنار ظاهر زیبا و شکیل آنها، بارها مورد اشاره ناصر خسرو قرار می‌گیرد. «باره ای عظیم داشت از سنگ سفید برشده، هر سنگی مقدار پانصد من و به هر پنجاه گزی برجی عظیم ساخته، هم از این سنگ سفید که گفته شد و سرباره‌ی همه کنگره‌ها بر نهاده، چنانکه گویی امروز استاد دست از وی کشیده» (محمودی به نقل از ناصر خسرو، ۱۳۹۳).

صفر سنه اربع و اربعین و اربعمائه بود که به شهر اصفهان رسیدیم. از بصره تا اصفهان صد و هشتاد فرسنگ باشد. شهری است برهامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند آبی سرد خوش بیرون آید و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و بر همه بارو کنگره ساخته و در شهر جوی‌های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ نیکو و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است و اندرون شهر همه آبادان که هیچ از وی خراب ندیدم و بازارهای بسیار و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود و هر بازاری را دربندری و دروازه‌ای و همه محلت‌ها و کوچه‌ها را همچنین دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسراهای پاکیزه بود» (ناصر خسرو، ۱۳۵۶، ص ۱۰۵).

۳- نواحی و مناطق

ناصر خسرو در توصیف مکان‌های دیدنی شهر اصفهان گزارش کاملی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و بر همه بارو و کنگره ساخته. و در شهر جوی‌های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع. و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ نیکو. و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است و اندرون شهر، همه آبادان که هیچ از وی خراب ندیدم، و بازارهای بسیار. و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود. و هر بازاری در بندی و دروازه‌ای و همه محلت‌ها و کوچه‌ها را همچنین دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسراهای پاکیزه بود. و کوچه‌ای بود که آن را کوطرز می‌گفتند. و در آن کوچه پنجاه کاروانسرای نیکو و در هر یک بیاعان و حجره‌داران بسیار نشست».

۴- دروازه

معرفی دروازه‌های متعدد در شهرهای مختلف که معمولاً تعداد آنها از دو عدد بیشتر است از دیگر بخش‌های معرفی استحکامات مورد بحث است، وی در وصف شهر آمد می‌گوید: «و چهار دروازه بر این شهر است همه آهن بی چوب، هر یکی روی به جهتی

از جهات عالم» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴، ص ۱۱). در اشاره به شهر صیدا نیز مینویسد: «بازارهای سنگین و محکم دارد و سه دروازه و مسجد آدینه خوب» (همان، ص ۲۲). وی حتی به شهرهایی اشاره میکند که دارای دروازه بوده اما دیواری گرداگرد شهر ندارند. به عنوان مثال شهره قاهره از دید ناصر خسرو پنج دروازه داشت ولی بارو نداشت. وی دروازه‌ها را به دو جزء بیرونی و درونی تقسیم می‌کند. «و این سور بیرون را نیز دروازه‌های آهنین بر نشانده‌اند مخالف دروازه‌های اندرونی، چنان که چون از دروازه‌های سور اول روند مبلغی در فصیل نباید رفت تا به دروازه سور دوم رسند» (همان، ص ۱۱). به ظاهر جهت برقراری امنیت بیشتر در شهر دروازه‌های دو حصار بیرونی و درونی که به ترتیب دارای دروازه‌های اصلی شارسرستان و ربض بودند در روبه روی یکدیگر قرار نداشتند. دروازه‌ها دارای کارکردهای گوناگون داشتند. کارکرد ارتباطی، و دفاعی و امنیتی آنها مهمترین کارکرد دروازه بود، اما به غیر از آن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اهمیت بودند. به عنوان مثال ناصر خسرو به یکی از کارکردهای اقتصادی دروازه در شهر حلب اشاره میکند. آن شهر باجگاه است میان بلاد شام و روم و دیاربکر و مصر و عراق و از این همه بلاد، تجار و بازرگانان آنجا روند و چهار دروازه دارد (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، به نقل از ناصر خسرو، ۱۳۹۲). او به شهرهای مستحکم عیذاب و مهرویان نیز به عنوان باجگاه اشاره میکند. از آنجا که یکی از منابع مهم کسب درآمد در گذشته وصول مالیات و عوارض از کالاهای وارداتی و صادراتی بوده، گاه چنین عوارضی در کنار دروازه‌ها از بازرگانان و صاحبان کالاهای تجاری دریافت میشد (سلطان زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶).

۵- برج

ناصر خسرو او پس از معرفی هر شهر، از جمعیت آن شهر، شیوه شهرسازی، برج و بارو، ساختمان‌ها، بازارها، محل استقرار پیشه‌وران، بناها و مکان‌های عمومی همچون مسجد، مدرسه، گرمابه و... یاد کرده



شکل ۳. تصویری از حصار و دیوار شهر جبیل؛ مأخذ: www.hamrahetarikh.ir

پهنای دیوار ده ارش. به هر صد گز برجی ساخته که نیمه دایره آن هشتاد گز باشد و کنگره او هم از این سنگ و از اندرون شهر در بسیار جای نردبان‌های سنگین بسته است که بر سر باور تواند شد. و بر سر هر برجی جنگ گاهی ساخته. و چهار دروازه بر این شهرستان است همه آهن بی چوب هر یکی روی به جهتی از عالم.»

۶- خندق

این تکنیک که بیشتر در سرزمینهای فارسی زبان از آن استفاده میشد نیاز به آب فراوان داشت. لذا در مناطق کم آب ابعاد خندق و به خصوص عمق آن را تغییر می دادند تا در موقع دفاع قابل استفاده باشد. برای عبور از آنها گاهی از پلهای چوبی یا آهنی که در روبه روی دروازه‌ها تعبیه میشد، استفاده میکردند. ناصر خسرو به خندق اطراف شهرستان قائن، و خندق سمت خشکی در شهر طرابلس اشاره میکند (حسینی زاده مهرجردی، ذبیح نیا عمران، ۱۳۹۲). ناصر خسرو در سفرنامه خود درباره شهر فردوس می گوید: «از تون (شهر فردوس) تا آن جا هجده فرسنگ می دارند اما کاروان به چهار روز تواند شدن که فرسنگ‌های گران است. قاین شهری بزرگ و حصین (دارای حصار) است و گرد شهرستان خندقی دارد.» و همچنین در رابطه با شهر بیت المقدس می گوید: «میان جامع و این دشت ساهره وادی ای است

است. برجها از عناصر مهم کارکردی دروازه‌ها به شمار می‌آمدند که معمولاً در اطراف دروازه‌ها ساخته میشدند و در روی آنها مأموران مواظبت از شهر را به عهده داشتند و در هنگام جنگ از بالای آنها به سوی دشمن تیراندازی میکردند (سلطان زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹). بر روی برجها گاه از عناصر تزئینی و کارکردی خاص جهت حمله یا دفاع استفاده میکردند که ناصر خسرو هم به آنها اشاراتی داشته است. ناصر خسرو در وصف شهر ارزن می گوید: «و به هر پنجاه گزی برجی عظیم ساخته هم از این سنگ سفید که گفته شد و سرباره همه کنگره‌ها بر نهاده چنان که گویی امروز استاد دست ازش باز داشته است. و این شهر را یک در است از سوی مغرب و در گاهی عظیم برکشیده است به طارقی سنگین و دری آهنین بی چوب بر آن جا ترکیب کرده است.» همچنین در وصف شهر میافارقین می گوید: «و از آمد تا میافارقین نه فرسنگ است. ششم روز از دی ماه قدیم به شهر آمد رسیدیم. بنیاد شهر بر سنگی یک لخت نهاده. و طول شهر به مساحت دو هزار گام باشد و عرض هم چندین. و گرد او سوری کشیده است از سنگ سیاه که خشت‌ها بریده است از صد منی تا یک هزار منی و بیش تر این سنگ‌ها چنان به یکدیگر پیوسته است که هیچ گل و گچ در میان آن نیست. بالای دیوار بیست ارش ارتفاع دارد و

عظیم ژرف و در آن وادی (دره تنگه) که همچون خندق است بناهای بزرگ است بر نسق (روش) پیشینیان و گنبدی سنگین دیدم تراشیده و بر سر خانه‌ای نهاده که از آن عجب تر نباشد تا خود آن را چگونه از جای برداشته باشند»

۷- ساحل در شهرهای ساحلی

او همچنین به شهرهای ساحلی اشاره میکند که سمت دریای آن شهر بدون استحکامات است و به نوعی استفاده از ساحل دریا بخشی از استحکامات شهر به حساب می‌آید. «به شهر جبیل رسیدیم، و آن شهری است مثلث، چنان که یک گوشه آن به دریاست و گرد وی» یا در مورد شهر بصره ناصر خسرو می‌گوید: «به شهر بصره رسیدیم دیواری عظیم داشت الا آن جانب که با آب بود دیوار نبود».

اصفهان

ناصر خسرو در توصیف مکان‌های دیدنی شهر اصفهان گزارش کاملی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و بر همه بارو و کنگره ساخته. و در شهر جوی‌های اب روان و بناهای نیکو و مرتفع. و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ نیکو. و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است و اندرون شهر، همه آبادان که هیچ از وی خراب ندیدم، و بازارهای بسیار. و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود. و هر بازاری در بندی و دروازه‌ای و همه محلت‌ها و کوچه‌ها را همچنین دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسراهای پاکیزه بود. و کوچه‌ای بود که آن را کوطرز می‌گفتند. و در آن کوچه پنجاه کاروانسرای نیکو و در هریک بیاعان و حجره‌داران بسیار نشسته و سلطان فرموده بود که سه سال از مردم هیچ چیز نخواهند و او بر آن می‌رفت و پراکندگان همه روی به وطن نهاده بودند و این مرد از دبیران شوری بوده بود و پیش از رسیدن ما قحطی عظیم افتاده بود اما چون ما آن جا رسیدیم جو می‌درویدند و یک من و نیم نان گندم به ده درم عدل و سه من نان جوین هم و مردم آن جا می‌گفتند هرگز بدین شهر هشت من

نان کم تر به یک درم کس ندیده است، و من در همه زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامع تر و آبادان تر از اصفهان ندیدم، و گفتند اگر گندم و جو و دیگر حبوب بیست سال نهند تباه نشود و بعضی چیزها به زیان می‌آید اما روستا همچنان است که بود، و به سبب آن که کاروان دیرتر به راه می‌افتاد بیست روز در اصفهان بماندم.»

تبریز

بیستم صفر سنه ثمان ثلاثین و اربعمائه به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور ماه قدیم بود و آن شهر قصبه آذربایجان است شهری آبادان. طول و عرضش به گام پیمودم هریک هزار و چهارصد بود و پادشاه ولایت آذربایجان را چنین ذکر می‌کردند در خطبه الامیر الاجل سیف الدوله و شرف الملک ابومنصور و هسودان بن محمد مولی امیرالمومنین. مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد شب پنجشنبه هفدهم ربیع الاول سنه اربع و ثلاثین و اربعمائه و در ایام مستترقه بود پس از نماز خفتن بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند. و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعری نیک می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد دیوان منحیک و دیوان دقیق بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او مشکل بود از من پرسید با او بگفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

سفرنامه او نه فقط سفری در جغرافیا که سیوروتی در روح مکان‌ها است. افزون بر این، او که همراه بازرگانان و کاروان‌ها سفر می‌کرده، جهان و پیرامون خود را از نگاه آنها دیده و نوشته است؛ از بلخ و مرو و سرخس و نیشابور تا حلب و بیروت و از آنجا به قدس و مکه و مدینه و شام و قاهره و اسکندریه و سرانجام بازگشت به زادگاه خویش از راه اصفهان. ناصر خسرو پس از بازگشت از سفر طولانی‌اش یادداشت‌های خود را گردآوری کرده و سفرنامه مشهورش را تنظیم کرد. این سفر طولانی و پرماجرا، دیده‌ها و شنیده‌ها

و تجربیات فراوانی را با خود به همراه دارد. از آداب و رسوم اجتماعی و مناسک دینی مردم دیاری تا معماری و جغرافیا و تاریخ شهرهای آن روزگاران. تبلور دیدگاه‌های ایدئولوژیک فردی و اجتماعی ناصر خسرو در این اثر بسیار مشهود است و توصیفات او، بیش از آنکه بیانگر وضعیت سرزمینی باشد که در ضمن سفر دیده است، بازتاب نگرش فرهنگی اوست و تحت تأثیر جهان بینی، ارزشها، هنجارها و آمال و حتی علایق وی شکل گرفته است. این عوامل هم در عناصر زبانی هم در ساخت معنا و محتوای سفرنامه، کاملاً مشهود هستند. هم چنان که دقت در جزئیات معماری اماکن مقدس و اشارات دقیق و استفاده فراوان از اعداد و ارقام در وصف آنها روحی و علمی و مذهبی او را به نمایش می‌گذارد. روحیه علمی، نگاه دقیق و علاقه به تفسیر و تأویل در کنار گرایش‌های دینی و اجتماعی، سفرنامه‌ای را پدید آورده که علاوه بر توصیف جزئیات بناها، وضعیت جغرافیایی و اقتصادی شهرها و روستاها، تصویری از شرایط سیاسی- تاریخی آن روزگار نیز فراییش خواننده می‌نهد. به طور کلی ناصر خسرو در سفرنامه خود عناصر طراحی شهری را چنین بر می‌شمرد: ۱- بنا و ساختمان، ۲- بارو، ۳- نواحی و مناطق، ۴- دروازه، ۵- برج، ۶- خندق، و ۷- ساحل در شهرهای ساحلی.

منابع و ماخذ

امیرقاسمی، مینو (۱۳۸۲)، بازار در سفرنامه ناصر خسرو و احسن التقاسیم مقدسی، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی، انتشارات دانشگاه تبریز، شماره ۱۲۰.
تقوی، عابد، (۱۳۸۹)، مقاله بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی، دوفصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ش ۱۱.
ذبیح‌نیا عمران، آسیه، (۱۳۸۹) مقاله اقتصاد در سفرنامه ناصر خسرو، نخستین همایش ملی ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، به کوشش محمدجواد عرفانی بیضائی، ج ۱.
سلطان زاده، حسین، (۱۳۸۵)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی،

تهران، ایران.

عاملی، سید سعید رضا، اخوان، منیژه؛ (۱۳۹۱) مقاله بازنمایی عناصر هویتبخش شهری در سفرنامه‌ها: (مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستانهای استان تهران) فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره اول، ش ۴.

کریمی آذر و همکاران، (۱۳۹۳)، مقاله پیوندها و فصل مشترک معماری و ادبیات با رویکردی به سفرنامه ناصر خسرو، دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، ایران.

گلچین، میترا، هاشمی، امیر حسین، (۱۳۹۵)؛ مقاله بررسی ناپایداری معماری دوره غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی، فصلنامه ادب فارسی، سال ۶، ش ۱. محمودی، معصومه، (۱۳۹۳)، مقاله گفتمان و تصویر «دیگری» در سفرنامه ناصر خسرو، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال سوم، شماره ۱۱.

مهرجردی، حسینی زاده، سعیده؛ ذبیح‌نیا عمران، آسیه؛ (۱۳۹۲) مقاله بررسی معماری استحکامات در سفرنامه ناصر خسرو، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال اول، ش چهارم.

ناصر خسرو، (۱۳۵۶)، سفرنامه به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انجمن آثار ملی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۱

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۳۲ ■